

بنظر و سطر

گزیده‌ی غزل‌های محمد قهرمان

محمد قهرمان

سرشناسه: قهرمان، محمد، ۱۳۰۸ -
 عنوان و نام پدیدآور: به خط روشن عشق: گزیده‌ی غزل استاد
 محمد قهرمان / به انتخاب علی محمد مودب، مبین اردستانی.
 مشخصات نشر: تهران: شهرستان ادب، ۱۳۹۲.
 مشخصات ظاهری: ص: ۱۴۰/ ۵/ ۲۱/ ۵/ ۳ م.
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۸۸۹-۲۲-۱
 وضعیت فهرست نویسی: قیما
 عنوان دیگر: گزیده‌ی غزل استاد محمد قهرمان.
 موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴
 شناسه افزوده: مودب، علی محمد، ۱۳۵۵-، گردآورنده
 شناسه افزوده: اردستانی، مبین، ۱۳۶۴-، گردآورنده
 زده شدی: کنگره: ۱۳۹۲ / ۴۷۱۶ PIRAI180
 زده شدی دیویی: ۸۱۱/ ۶۲
 شماره کتابشناسی ملی: ۳۱۱۵۰۵۵

تهران: خیابان شریعتی، پلاک ۱۶۸ از سعراهِ طالقانی، روبروی سینما صحرا،
 پلاک ۱۶۸، طبقه ۴- انتشارات شهرستان ادب
 تلفن: ۷۷۵۱۷۸۳۰
 پایگاه اینترنتی: www.shahrestanadab.com
 تلفن بخش: ۰۹۱۹۲۵۱۱۰۳۲



به خط روشن عشق

گزیده‌ی غزل‌های محمد قهرمان

چاپ اول: بهار ۱۳۹۲

شمارگان: ۲۰۰۰ نسخه

چاپ و صحافی: صفیه

قیمت: ۶۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۸۸۹-۲۲-۱

نقل و چاپ نوشته‌ها منوط به اجازه رسمی از ناشر است.



- ۱/ یارب از سرمستی غفلت به هوش آور مرا ۹
- ۲/ ز دشت بی‌کسی‌ها ره‌نوردی بر نمی‌خیزد ۱۱
- ۳/ عادتم شده در عشق، گاهِ گفت‌وگو کردن ۱۳
- ۴/ نوای صلح شنیدیم و گیر و دار به جاست ۱۵
- ۵/ آسودگی، ز مردم عالم رمیدن است ۱۷
- ۶/ چه غم ز بادِ سحر، شمعِ شعله‌ور شده را؟ ۲۰
- ۷/ از خاطرِ عزیزان، گردون سترده ما را ۲۲
- ۸/ از گفت‌وگوی باد با خاک، آشفته خواب شاخساران ۲۵
- ۹/ پیرانه‌سر چو آید یادم ز خردسالی، ۲۸
- ۱۰/ ای دلت آینه‌ی روشن! دشمنِ جانِ سیاهی باش ۳۱

- ۱۱/ نازک دل آفریدند، مانند لاله ما را ۳۳
- ۱۲/ در ره صبح سوختم، بس که چراغ دیده را ۳۵
- ۱۳/ دامن ز تماشای جهان چیده گذشتیم ۳۸
- ۱۴/ ای دل! ره رمیدن اگر یافتی، بگو ۴۰
- ۱۵/ نشاط عید خواهد برد، برون ز خاطر ما غم را ۴۲
- ۱۶/ زبان بر خاک می ماند از لب تشنگی جوها ۴۴
- ۱۷/ ز عجز، تکیه به دیوار آ خود کردیم ۴۶
- ۱۸/ در کفهی دو دسم، امشب دو جام بگذار ۴۸
- ۱۹/ رخ تو پیش نظر داشتیم و دم نزدیم ۵۰
- ۲۰/ هنوز از بوی گیسوی بریشان می توانم شد ۵۲
- ۲۱/ رنگ ز رخ پریده ما را کسی ندید ۵۴
- ۲۲/ به دل جمع، در این دایره گامی نزدیم ۵۶
- ۲۳/ غم از کنار من به کناری نمی رود ۵۸
- ۲۴/ عمر را استاده پندارم، می رود از بس به همواری ۶۰
- ۲۵/ ای از بهاران گذشته، پاییز را نیز دیده ۶۲
- ۲۶/ وقت سحر شد خیالت، یک لحظه مهمان دیده ۶۵
- ۲۷/ حیات بخش چو خون در رگم روانه تویی ۶۷
- ۲۸/ برانگیزد نسیم از جای خود هرگاه چون گردم ۶۹
- ۲۹/ عشق بزرگ پاک نجیم ۷۱
- ۳۰/ نوبهار است، بیا بال و پری باز کنیم ۷۳
- ۳۱/ ابر سیاه می رسد از راه، همراه با ترقم باران ۷۵

- ۳۲/ در من هوای تازه با یاد تو جاری شد..... ۷۷
- ۳۳/ چه روز ابری غمناکی! چه ابر تیره‌ی دلگیری!..... ۷۹
- ۳۴/ گرچه فزون خواستم، بوسه یکی بود و بس!..... ۸۱
- ۳۵/ پای تا سر ناامیدی از سفر برگشته‌ام..... ۸۳
- ۳۶/ صدای پای او، نرم و سبک پیچید در گوشم..... ۸۵
- ۳۷/ مویت کمند گردن جانم، روی تو قبله‌گاه نگاهم..... ۸۷
- ۳۸/ در هجوم صد باد مانده در میانه‌ام..... ۸۹
- ۳۹/ شبی روزی‌ام نشد که با من سحر کنی..... ۹۱
- ۴۰/ نرفتم در جوانی از پی عشق و زیان کردم..... ۹۳
- ۴۱/ به هجر، زنده از آن ماندم، که جان به راه تو در بازم..... ۹۶
- ۴۲/ از ابر بارانی نمی‌آید، که دل فروشوید ملال من..... ۹۸
- ۴۳/ نخواهی کاست گر با وصل خود بار غم ما را..... ۱۰۰
- ۴۴/ شانه‌ام را سبک سازی از غم، چون گذاری سرت را به دوشم..... ۱۰۲
- ۴۵/ سراب فرییم، فریب سرابم..... ۱۰۴
- ۴۶/ دزدیده می‌خرامی و پاورچین، رشک نسیم تُرد سحرگاه..... ۱۰۷
- ۴۷/ شد فرش سبزه پهن و دل من، در زیر گرد، چون گل عالی..... ۱۱۰
- ۴۸/ این شیشه نازک تر شود هر روز؛ با مهربانی با دلم سر کن..... ۱۱۳
- ۴۹/ اوّل نبود عشق توّام باور، چندی میان شک و یقین بودم..... ۱۱۵
- ۵۰/ تا به کی بینم که همچون بُت، قبله‌گاه این و آن باشی؟..... ۱۱۷
- ۵۱/ خیالت می‌خزد همچون پری در خلوت خوابم..... ۱۱۹
- ۵۲/ بدرود نگفته سفر مکن، ای بدرقه‌ات اشک و آه من!..... ۱۲۱

- ۵۳/ شبی که بی تو به سر می‌رود، سحر نشود..... ۱۲۳
- ۵۴/ همچنان که روی تو به چشم دل، در میان دلبران یگانه است..... ۱۲۵
- ۵۵/ فلک با من مانده بی تو، سر سازگاری ندارد..... ۱۲۷
- ۵۶/ دارم تو را از جان و دل دوست، می‌گویم و پروا ندارم..... ۱۲۹
- ۵۷/ ز شرم، گرچه تهی ماند از تو آغوشم..... ۱۳۱
- ۵۸/ نه خوش ز بوسه‌ی پیغام و نه پیام شوم..... ۱۳۳
- ۵۹/ می‌پرستم چون تو را و دوست می‌داری مرا..... ۱۳۵
- ۶۰/ سهل یا دشوار، راه عمر اگر پیموده شد،..... ۱۳۷
- ۶۱/ ای ز من بی خبر خیال تو از دل روز تا شب هزار بار گذشته..... ۱۳۹